

- (1) جناب امارت ماب امیر اعظم اعدل سلاله اعظم الامراء فی الزمان
 (2) خلاصه العناصر و زبده الازکان جلال دین¹ اخی فرح(?)² بیک ضاعف الله قدره
 (3) بوفور سلام و اہتمام خاطر بی انجام شرف امتیاز و عز اختصاص یافتہ ہکی ہمت بلند
 و جملگی نہمت ارجند بترفیہ حال و فراغ بال خود معطوف (4) شناسد بدانند کہ ملازم
 او آمد و عرضہ داشت او رسانید و صورت محبت و خیرخواہی او مخلصاً بر ضمیر منیر
 واضح و لایح کشت (5) و کتاب کریم بندگی حضرت عالی خلافت پناہ کردون اقتدار
¹ خلد الله ملکہ و خلافتہ² بمطالعہ غرا رسانید بہ اعزاز و اکرام تلقی نمود و موجب
 از زیاد اخلاص و دولتخواہی کشت (6) اعلام آن عزیز می رود کہ بر حسب تقدیر الہی
 کہ ہمہ از آثار صنعت و قدرت اوست حال برین منوال واقع شد و از اول او شمشہ
 احوال اینجانب بایدت معلوم داشت (7) و درین ولا نیز حقیقت نزد او معلوم کشتہ
 باشد و نیز عزیمت و توجہ کہ بدین ممالک نمود بہ محبت و اخلاص بندگی حضرت عالی
 آمد و نوازش نامچہ در سببہ افتخار الامائل (8) درویش حمزہ فرستادہ بودند در حوالی
 آمد رسانید استقبالنمودہ چون شوق و محبت غالب بود توقف نمود عزیمت نمودہ بملاطیہ نزول
 نمود (9) و درین روز امیر اعظم افتخار الاعالی جلال دین جہانگیر بیک کوبہ عالی را بہ پایہ
 سریر معدلت صریر روانہ کردانید و انتظار او میکشید (10) کہ عود نماید کہ بہرچہ
 دین و صلاح دولت امر خواهد فرمود بتقدیم خواهد افتاد و چون نوازش نامچہ بندگی
 حضرت سلطنت پناہی کہ (11) درین ولا فرستادہ اند مضمون بدستور سابق است و
 هنوز کس نیامدہ مکرراً کستاختی نمودن واجب نمود و دیگر صورتی کہ در زہن عالی
 (12) نافذ کشتہ کہ ناگاہ بسخن بدتر بچہ مملکت قضا از راہ نرود کہ بنیادی ندارد این

¹ Unsichere Lesung. ² Hervorgehoben in Höhe des Zwischenraumes der 4.-5. Zeile auf den Rand geschrieben; gehört hierher.

صورت یکبار برین جانب واقع شده ازین نوع حالات اورا نمی‌رود (13) و صورت خیر خواهی و دولتخواهی او که بنواب حضرت عالی معروض داشته بود حقیقت در کتاب کریم حضرت سلطنت‌پناهی بظهور پیوست چون او حقیقت (14) احوال و خیر خواهی اینجانب را معلوم نموده بعده بر قرار سابق در ازدیاد دولتخواهی و محبت افزاید و دایما حالات اعلام کردند که (15) انشا الله تعالی امید برین لازمت چنان است که عن قریب باهتتام بندگی حضرت اعلیٰ مهمات بر حسب جرم دل گردد دیگر اعلام آنکه در محل اگر صلاح داند بعرض رساند که (16) با دشمن محل دوستی نمی‌باید کرد و لکن جهد می‌فرمایند از طرفین بتلاقی محل فرصت است چون اعلیٰ اکل جهانست زیاده مصدع نمی‌شود (17) بهمه ابواب اینجانب خاطر جمع دارد که آنچه وظائف محبت است این چنان است که ¹ بهمت توجه اعلیٰ مثل جواب است ³

¹ التحریر ثامن شهر شوال سنه ۱۷۹۹ ⁴

¹ بمشتا ملاطیه ⁵

³ Dieser Teil wurde in die Mitte der 17. Zeile zweizeilig geschrieben. ⁴ Als Fortsetzung der 17. Zeile geschrieben; bildet jedoch eine selbständige Einheit in der unteren linken Ecke des Dokumentes. ⁵ Unter die 17. Zeile in die Mitte des Dokumentes als selbständige Einheit geschrieben.